

نقد و تحلیل درس مست و هشیار

فارسی ۳ (با توجه به عنوان اثر)

مرضیه احمدیان

کارشناس ارشد ادبیات فارسی (دانشگاه اصفهان)،
سرگروه و دبیر ادبیات فارسی دبیرستان‌های شهرستان دهاقان

چکیده

قطعه «مست و هشیار» از قطعات کم‌نظیر پروین اعتصامی است که در آن، شاعر با هنرمندی و به شیوه مناظره، مسائل اجتماعی و اخلاقی روزگار خویش را طرح و نقد کرده است. اگرچه پیش از وی عطار و به‌ویژه مولانا مناظره‌ای به همین شیوه را بین محتسب و مست آفریده‌اند، آنچه بیش از همه مناظره پروین را از سایر همانندها متمایز و برجسته می‌سازد، حاضر جوابی، نکته‌سنجی و هشیاری مست است که تأثیر کلام وی را دوچندان می‌کند.

پژوهنده در این مقاله سعی دارد با توجه به‌عنوان قطعه «مست و هشیار» در کتاب فارسی ۳ و قراین موجود در این مناظره، تناقض عمدی را که در شخصیت مست نهفته است، روشن سازد و در پایان، با بررسی زیباشناسانه متن و ذکر دلایل کافی و موجود، اثبات کند که مست همان هشیار است و عنوان «مست هشیار» برای این مناظره مناسب‌تر و با محتوای آن سازگارتر است.

کلیدواژه‌ها: پروین، مناظره، محتسب، مست، هشیار

۱. مقدمه

پروین (رخشنده) اعتصامی فرزند اعتصام‌الملک و بانو اختر فتوحی است؛ وی در ۲۵ اسفندماه سال ۱۲۸۵ ه.ق در تبریز دیده به جهان گشود. در کودکی به همراه خانواده به تهران آمد و از آنجا که از همان زمان به ادبیات فارسی علاقه وافری داشت، ضمن شاگردی در مکتب پدر - که خود از بزرگان ادب عصر خویش بود - در محافل ادبی در کنار وی حاضر می‌شد و بنابراین، از محضر بزرگانی چون ملک‌الشعراى بهار، بهره‌ها یافت. اولین تجربه‌های شعری او مربوط به دوران کودکی وی است که باعث حیرت بزرگان ادب گردید. نخستین شعرهای وی در سنین نوجوانی و در مجله بهار به چاپ رسید.

«شخصیت‌بخشی به اشیا و تسلط پروین بر موضوعات اخلاقی و حکمی از ویژگی‌های برجسته و عمده‌ای است که بعدها دست‌مایه شاعر برای خلق مناظرات جاندار و بی‌نظیری شد که اشعار او را با شاعران بزرگی چون ناصر خسرو قابل مقایسه می‌سازد» (بهار، مقدمه دیوان، ۱۳۷۱: ۲۷).

«استقلال اندیشه و شیوه طرح مسائل در قالب مناظره - به گونه‌ای که مناظرات او را از پیشینیان متمایز ساخته است - سبب گردید تا منتقدین و صاحب‌نظران، اوج شعر و کمال شاعری پروین را در مناظراتش بجویند» (دانشگر، ۱۳۷۷: ۱۸۸).

همان‌گونه که گفته شد، طرح مسائل اجتماعی و انتقادات گاه بی‌پروای پروین به مناظرات او رنگ و بوی خاصی بخشیده است. از مهم‌ترین مناظرات انتقادی وی می‌توان به مناظره‌های «مست و هشیار» و «دزد و قاضی» اشاره کرد که در آن‌ها شاعر با طراحی سؤال و جواب‌هایی حساب‌شده، اشاراتی بی‌پروا (به‌ویژه در قطعه دزد و قاضی) و گاه رندانه (مناظره مست و هشیار) به مفاسد اجتماعی عصر خویش، فقر، بی‌عدالتی، فساد مأموران حکومتی و منتسبان به دستگاه حاکم دارد.

درس دوم کتاب فارسی ۳ (صفحه ۱۹) به قطعه‌ای ده بیتی از پروین با عنوان «مست و هشیار» (قطعه ۱۸۵ دیوان اشعار) اختصاص دارد که در آن به شیوه مناظره، سؤال و جواب‌هایی رندانه و حساب‌شده بین دو شخصیت مست و محتسب رد و بدل می‌شود. در پایان نیز شاعر ضمن طرح پاره‌ای مسائل اجتماعی روزگار خود که در خلال گفت‌وگوی این دو شخصیت و به‌ویژه پاسخ‌های رندانه مست رخ می‌دهد، بی‌خبری محتسب و هشیاری مست را بر خواننده هویدا می‌سازد.

این قطعه، در بیشتر چاپ‌های دیوان پروین و اکثر آثاری که آن را نقد و بررسی کرده‌اند، با عنوان «مست و هشیار» معروف و مشهور



چند صفحه از این دیوان و مشاهده سبک متین و شیوه استوار و شیوایی بیان و لطافت معانی چنانم بفریفت که تنها این کتاب را پیشرو نهاده و هر مشغله که بود پس پشت افکندم و تمامت آن را خوانده، لذتی موفور بردم» (بهار؛ مقدمه دیوان؛ ۱۳۸۴: ۵).

«دیوان پروین با حدود پنج هزار بیت، شامل ۴۲ قصیده و ۱۶۷ مثنوی، و تمثیل و قطعه است» (دانشگر، ۱۳۷۷: ۶). «بیشتر اشعار پروین در قالب قطعه (۴۳/۴۷ درصد)، قصیده (۲۶ درصد) و مثنوی (۲۳/۶۷ درصد) است»

(حبیبی، ۱۳۹۱: ۳۵). آنچه قطعات پروین را برجسته و متمایز می‌سازد، مناظرات شگفت‌انگیز و بدیعی است که نتیجه تأملات شاعر در پدیده‌های اطراف و آشنایی او با آثار فاخر ادبیات فارسی و بزرگانی چون مولوی، سعدی و عطار است. «ابداع او در مضمون و انتخاب طرفین مناظره از اشخاص، موجودات جاندار، گل و گیاه، قدرت تجسم، سخن گفتن به شیوه‌ای متناسب و هنرمندانه از زبان هر یک، اشارات نکته‌آموز و پرمغز به اقتضای حال و بسیاری ظرایف دیگر این‌گونه اشعار او را به صورت مظاهر درخشان هنر وی درآورده است» (یوسفی، ۱۳۷۹: ۴۱۷).

روزگار پروین، مقارن با انقلاب مشروطیت (۱۳۲۴ ه.ق) و به دنبال آن انقلاب فکری جامعه و تأثیر بارز آن بر ادبیات معاصر و از آن

است. پژوهنده سعی دارد پس از بررسی زیبایی‌های ادبی اثر، عنوان مناظره و میزان انطباق آن با محتوای این قطعه را تحلیل و نقد کند و سپس با ذکر دلایل موجود در این اثر، به این نتیجه دست یابد که عنوان «مست هشیار» - همان‌گونه که استاد عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب با کاروان حله (ص ۳۶۷) گفته‌اند، برای این مناظره مناسب‌تر است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

قطعه مست و هشیار یکی از شاهکارهای دیوان پروین است که از همان سال‌های نخستین

چاپ و انتشار اشعار او در محافل ادبی مورد توجه بسیاری از شاعران و منتقدان ادبی قرار گرفت. در مقالات متعددی نیز این شعر از دیدگاه‌های مختلف نقد و بررسی شده، که محقق به بخشی از آن‌ها در فهرست منابع اشاره کرده اما درباره عنوان این قطعه، تاکنون تحلیل و بررسی مجزایی صورت نگرفته است.

۲-۱. دیوان اشعار پروین

دیوان پروین اعتصامی اولین بار با نظارت پدر ایشان، یوسف اعتصام‌الملک، و با مقدمه ملک‌الشعراى بهار در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی به چاپ رسید. ملک‌الشعرا احساس خود را از خواندن و تتبع دیوان این شاعر گران‌سنگ چنین ابراز می‌کند: «... ملاحظه

رندانه بیان می‌کند. «شعر پروین اعتراضی است به سالوس بازی‌ها و ریاکاری‌های زمانه» (اکبری، ۱۳۸۶: ۴۴۳). به همین سبب، بخش قابل توجهی از مضامین شعری دیوان وی، مناظرات اعتراض‌آمیز، طنزهای گزنده و اعتراض به چهره‌های عوام‌فریب، منفی و مزور جامعه است. مناظره مست و هشیار یکی از این نمونه‌هاست.

۲. فن مناظره

«مناظره (به معنی مباحثه و مبادله) یا مکابره در اصطلاح، شعر (در قالب قصیده، قطعه یا مثنوی) و یا نثری است که به نزاع یا مباحثه دو کس یا دو چیز اختصاص دارد و در ضمن آن، هر دو طرف دلایل خود را در اثبات مراتب فضل و برتری خویش بیان می‌دارند (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۳۵). «معمولاً، مناظره‌ها در ادبیات بیشتر زبان‌ها به شکل شعر است اما بعضی مناظره‌های منثور نیز در ادبیات فارسی وجود دارد؛ از جمله مناظره طیب و منجم (مقامه ۱۸) از مقامات حمیدی تألیف حمیدالدین ابوبکر بلخی (متوفی ۵۹۹ه.ق.)» (میرصادقی، ۱۳۷۳: ۲۵۵).

«برخی، ژرف ساخت مناظره را حماسه می‌دانند؛ زیرا در آن بین دو کس یا دو چیز بر سر برتری و فضیلت خود بر دیگری نزاع و اختلاف لفظی در می‌گیرد و هر یک با استدلالاتی خود را بر دیگری ترجیح می‌دهد و سرانجام یکی مغلوب یا مجاب می‌شود» (شمیسا؛ شریفی، ۱۳۷۶: ۵۹). و از این روست که «مناظره را پیکار نیز خوانده‌اند» (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۳۵). با توجه به این عقیده، «طرفین مناظره دارای ویژگی‌هایی مخالف و متضاد هستند و به راحتی از یکدیگر قابل تفکیک‌اند؛ مانند مناظره ذره و خورشید، کوه و کاه، تیروکمان و گل‌وخار از پروین اعتصامی، چنار و کدو بن از ناصر خسرو و مناظره روز و شب از نزاری قهستانی» (همان: ۱۳۵). در پایان مناظره نیز همیشه نیروی حقیقت بر باطل چیره می‌شود و ناراستی و کژی محکوم به نابودی است. از این روست که روح حقیقت جو و ظلم‌ستیز پروین این شیوه را بر دیگر فنون ادبی ترجیح می‌دهد؛ به گونه‌ای که دیوان شعر خود را سرشار از تمثیل‌های حکیمانه‌ای می‌سازد که در آن تندترین و کوبنده‌ترین انتقادهای اجتماعی و سیاسی عصر خویش را در قالب سؤال و جواب‌های موشکافانه طرح می‌کند.

۳. نگاهی به برخی مناظره‌های انتقادی دیوان پروین

شعر و قلم پروین همواره در خدمت دفاع از مظلوم و محکوم کردن ظالمانی است که اصل حقوق انسان‌ها را در جامعه نادیده گرفته‌اند. پروین اعتصامی در اشعار خود، گاه صریح و گاه در پرده، از نظام حاکم بر جامعه انتقاد می‌کند تا از این طریق، فقر و بیدادی را که گریبان‌گیر طبقه محروم و رعایای ستم‌دیده است، در برابر دیدگان خواننده به تصویر کشد و او را برای ظلم‌ستیزی و پس گرفتن حقوق ضعفا و رنج‌دیدگان با خود همراه سازد. یکی از بی‌پروا ترین این قطعات اعتراض‌آمیز، مناظره «دزد و قاضی» است:

«برد دزدی را سوی قاضی، عسس

کفت سستی به با به و گریاش گرفت
کفت ای دست این پروین است نقد
کفت سستی این بستان و خیران می‌وی
کفت بزم بود قتی زنت در عوارفت
کفت می‌دیده راه سزاها نمی‌بزم
کفت هیچ آبی قانی ز شب بی‌درفت
کفت تنگات‌ال‌ال با سرای قرینانم
کفت الی در کاه در خانه خندانم
کفت آه‌ها را گویم در چه نجواب
کفت چه بچه بچه مردم چه زنت
کفت دیدی به فسلان و خواران
کفت که شمع بکار مردم و بند زنت
کفت در بر زنت بدلت بین کم
کفت پیداست جز غمی ز یاد زنت
کفت آنگار نیستی که در وقت کوه
کفت در هر فصل بی‌بی‌گویی ما زنت
کفت ای بی‌خوشی نه بی‌خوشی
کفت ای رسد که حرف کم بی‌درفت
کفت بی‌د زنده‌ایم مست راه
کفت می‌باید بی‌د لطف نمی‌مشاید زنت

جمله شعر پروین است. این نسل از شاعران و نویسندگان که پروین نیز یکی از آنان بود، با اشعار و نوشته‌های مؤثر خود در نگاهداشت انقلاب فکری مردم می‌کوشیدند (دانشگر، ۱۳۷۷: ۳۱)؛ به همین دلیل نیز در شعر او کمتر به مضامین تغزلی بر می‌خوریم. به عبارت دیگر، عشق در دیوان پروین به معنای واقعی آن، عشقی که شعرای بزرگ بدان سر نیاز فرود آورده‌اند، عشق به حقایق و معنویات و معقولات است (بهار، مقدمه دیوان شاعر). «در شعر او عواطف بشردوستی و حمایت از مردم محروم و یتیمان و سالخورده‌گان و ستم‌دیدگان با بیانی سرشار از صمیمیت و صداقت انعکاسی چشمگیر یافته است و رنگ و ویژه طبع و ذوق وی را دارد» (یوسفی، ۱۳۷۹: ۴۱۴).

«ظلم‌ستیزی و صراحت در بیان نابسامانی‌های اجتماع از ویژگی‌های گفتار پروین است. او نه تنها با انسان‌های ظالم می‌ستیزد بلکه با ظلم و بیدادگری در هر زمان و مکان می‌جنگد» (دانشگر، ۱۳۷۷: ۷۹). «پروین فرزند عصر دروغ‌زنی‌ها و نامردمی‌هاست» (واثق عباسی؛ ۱۳۹۲: ۴۴۲) که این انتقادهای بی‌پروا را آن هم از جانب زنی شاعر برنمی‌تابد. وی نیز با آگاهی از این موضوع، بیشتر انتقادهای کوبنده خویش را به شیوه تمثیلی و گاه با طنزی

خلق بسیاری روان از پیش و پس
گفت قاضی کاین خطاکاری چه بود؟
دزد گفت از مردم آزاری چه سود؟
گفت بدکردار را بد کیفر است
گفت بدکار از منافق بهتر است
گفت هان، برگوی شغل خویشتن
گفت هستم همچو قاضی، راهزن»

اول که به راه اهل طریقت یا شریعت اشاره دارد، این حدس را تأیید می‌کند. پروین نه تنها در این قطعه که در بسیاری از قطعات خویش نیز از دیگران اخذ مضمون نموده است اما آنچه کار وی را ممتاز و مشخص می‌کند، شکل تصرف در مضامین و کیفیت ارائه آن‌هاست که اغلب بدیع و نادر و مخصوص خود اوست» (یاحقی، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

(قطعه ۱۰۰ دیوان)

بدین‌گونه، پروین شیوه سؤال و جواب را بهانه‌ای برای طرح و نقد مسائل اجتماعی می‌کند تا نشان دهد که قاضی نیز مثل خود او (دزد) اهل هرگونه گناه و بدکاری است. این طرز بیان به نقد او عمق و تأثیر خاصی بخشیده است و جنبه شخصی فکر پروین را به‌طور بارزی نشان می‌دهد (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۳۶۷).

«این استقلال اندیشه و کیفیت برداشت معانی به مناظرات او را اصیل و ممتاز نموده است؛ به‌گونه‌ای که از دیگر اقران آن متمایز است» (یوسفی، ۱۳۷۹: ۴۱۷). صراحت و بی‌پروایی او در بیان مفاسد اجتماعی و حمایت از ضعفا در ضمن خیال‌پردازی‌های شاعرانه و در خلال فضای عاطفی حاکم بر بیشتر قطعات او، این مناظرات انتقادی را کم‌نظیر ساخته و از پیشینیان فراتر برده است.

**خواننده از عنوان
«مست و هشیار» در
می‌یابد که با یک سخن
ادبی به شیوه مناظره
روبه‌روست. این عنوان،
صاحب اثر را از ارائه
هرگونه توضیح اضافی
درباره کیفیت آن بی‌نیاز
می‌سازد**

۴. مناظره مست و هشیار

یکی دیگر از این مناظرات کم‌نظیر و شاهکار دیوان پروین، مناظره «مست و هشیار» است. این مناظره که در قالب

قطعه‌ای ده بیتی سروده شده، گفت‌وگوی مستی است که گرفتار محتسب شهر شده است. محتسب قصد محکوم کردن و اثبات جرم او را دارد، مصراع‌های فرد این قطعه از زبان محتسب بیان شده است و پاسخ‌های مست همگی در مصراع‌های زوج قرار دارند. در پایان مناظره، پس از رد و انکار سخنان محتسب، عجز وی و هشپاری مست بر خواننده مسلم می‌گردد.

«پیش از پروین، مولوی (دفتر دوم مثنوی ابیات ۲۳۸۷-۲۳۷۵) و عطار (منطق‌الطیر ابیات ۳۰۴۳-۳۰۴۰) مناظره‌ای بین مست و محتسب و تقریباً با همین مضمون دارند، اما قراین و شواهد نشان می‌دهد که منبع اصلی پروین در این مناظره، مثنوی معنوی باشد» (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۳۶۷). «تکرار لفظ «تیم‌شب» در هر دو حکایت، مضمون مشترک بیت ۱۱ حکایت مثنوی (گفت مست ای محتسب بگذار و رو/ از برهنه کی توان بردن گرو) با بیت ۸ قطعه پروین (گفت از بهر غرامت جامه‌ات بیرون کنم/ گفت پوسیده است جز نقشی ز پود و تار نیست) و برخی اشارات ایهام‌گونه پروین به مسائل عرفانی نظیر ایهام نهفته در عبارت «به‌ره» در مصراع

۴-۱. بررسی زیباشناسانه مناظره مست و هشیار

دیوان پروین پر از قطعات تمثیل‌گونه و داستان‌هایی از زبان اشیاء بی‌جان، حیوانات و انسان‌ها است. «می‌توان گفت پس از مولوی، هیچ شاعر دیگری به فراوانی او تمثیل به کار نبرده است» (خالقی‌راد، ۱۳۷۵: ۴۰۰). اما پروین، شاعر نکات اخلاقی و تربیتی است. «در تمام دیوان او کلمه‌ای رکیک و غیرقابل نقل وجود ندارد» (همان). با این همه، تازگی فکر و اندیشه، اصالت شیوه‌های بیان و آرایه‌پردازی‌های لطیفی که خاص خود اوست، گواه ذوق سرشار و تخیل رنگین اوست. اگرچه پیش از وی قطعه مست و هشیار در ادبیات فارسی سابقه دارد، شیوه سؤال و جواب‌های این مناظره و پی‌ریزی هنرمندانه این حکایت، آن را از لحاظ ادبی بر آثار پیشینیان برتری داده است. در ادامه، ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی این اثر بررسی می‌شود.

۴-۲. عنوان اثر

هر اثر ادبی مجموعه‌ای از ویژگی‌های زبانی، فکری و ادبی است که معرف دیدگاه پدیدآورنده آن است. بررسی این ویژگی‌ها، درک و فهم خواننده را درباره اثر افزایش می‌دهد و او را به مقصود و هدف غایی صاحب اثر نزدیک می‌سازد. «اولین عنصر ساختاری یک اثر که خواننده به وسیله آن با اثر ارتباط برقرار می‌کند، «عنوان» اثر است. عنوان سه نقش متفاوت بر عهده دارد: توضیح، یادآوری و ارزش‌گذاری» (قویمی، ۱۳۸۶: ۵۸). خواننده از عنوان «مست و هشیار» در می‌یابد که با یک سخن ادبی به شیوه مناظره روبه‌روست. این عنوان، صاحب اثر را از ارائه هرگونه توضیح اضافی درباره کیفیت آن بی‌نیاز می‌سازد. زیرا مخاطب به راحتی درمی‌یابد که در این مناظره گفت‌وگوی بین دو شخصیت انسانی، یکی مست و دیگری هشپاری رخ داده است. همچنین، تضاد لفظی این عنوان گوشزد می‌کند که در این مناظره، آن که مست است از لحاظ فرهنگی پست‌تر و لاابند، فرد هشپاری نماد ارزشمندی و والایی است. اما با خواندن اثر، خواننده در می‌یابد که اولاً دو طرف مناظره مست و محتسب شهر است و ثانیاً با توجه به مصراع پایانی قطعه (گفت هشپاری بیار، اینجا کسی هشپاری نیست) آن که در مقابل شخصیت مست است، هشپاری نیست! ثالثاً، با توجه به حذف جمله: «محتسب

گفت» از آغاز مصراع‌های زوج و «مست گفت» از تمامی مصراع‌های فرد (به غیر از بیت اول)، بر مشخص بودن هویت دو طرف مناظره تأکید می‌کند.

بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد، عنوان «مست و هشیار» عنوان گویا و رسایی برای این مناظره نیست و بهتر است به «مست و محتسب» و یا «مست هشیار» (زرین کوب؛ ۱۳۷۹: ۳۶۷) تغییر یابد.

۲-۴. ویژگی‌های زبانی و دستوری

پس از بررسی عنوان، آنچه به فهم و دریافت مفاهیم یک متن کمک می‌کند، ساختار دستوری آن است. «زبان شعری این قطعه، محکم و استوار و یادآور جزالت و استحکام سبک خراسانی است» (یاحقی؛ ۱۳۸۰: ۱۷۳). تمامی مصراع‌ها از لحاظ دستوری مستقل اند و هیچ‌گونه وابستگی دستوری بین مصراع اول و دوم بیت وجود ندارد، اما از لحاظ ساختار جملات، تفاوت‌های چشمگیری بین مصراع‌های فرد (سوالات محتسب) و مصراع‌های زوج (جواب‌های مست) دیده می‌شود. با دقت در بافت جملات مصراع‌های فرد و زوج می‌توان دریافت که:

۱. ترتیب اجزاء جملاتی که از زبان مست بیان شده‌اند، به صورت «نهاد + فعل + مده است» در حالی که در مصراع‌های فرد (گفت‌وگویی محتسب) این نظم در تمامی مصراع‌ها وجود ندارد. مثلاً در مصراع‌های سوم، چهارم، ششم، هشتم و دهم، ترتیب اجزاء جمله به هم خورده است:

– مصراع سوم: می‌باید تو را تا خانه قاضی بزم
– مصراع چهارم: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم
– مصراع ششم: دیناری بده پنهان و خود را وارهان
– مصراع هشتم: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه
– مصراع دهم: باید حد زند هشیار مردم مست را
همچنین، حضور ویژگی‌های تاریخی زبان نظیر کاربرد حرف اضافه «به» در معنی «در» در مصراع اول (محتسب مستی به ره دید)، استعمال فعل «شویم» در معنای «زویم» و «رای فک اضافه» در مصراع چهارم، پرش ضمیر در مصراع هشتم و ترکیب وصفی مقولوب «هشیار مردم» در مصراع دهم، جملات را نامأنوس کرده است. این جابه‌جایی دستوری و نشانه‌های تاریخی و غیرمستعمل زبان در گفت‌وگویی محتسب از سویی و نظم حاکم بر جملات مست از سوی دیگر، بیانگر پرباشانی فکری محتسب و هشیاری مست هنگام بیان این جملات است و از کجا معلوم، آن که بی‌خبر از خویش است محتسب نباشد؟

۲-۴. ویژگی‌های ادبی ۲-۴-۱. قافیه و ردیف

«اگر دو غزل یا دو قصیده را که در یک وزن و یک موضوع اما با دو قافیه متفاوت سروده شده‌اند با یکدیگر بخوانیم، تأثیر شعرا با یکدیگر متفاوت خواهد بود و این اختلاف تأثیر، از اختلاف قافیه‌هاست» (شفیعی کدکنی؛ ۱۳۷۹: ۶۴). قافیه و ردیف علاوه بر تکمیل موسیقی، تأثیر کلام شاعر را دوچندان می‌کند. «شاعران

هنرمند همواره می‌کوشیده‌اند که قافیه را از کلماتی انتخاب کنند که در شعر تشخیص و امتیازی دارند و یک کلمه ساده نیستند» (همان: ۷۲). چنان که در قطعه پروین «برجسته بودن واژه هشیار» نزد شاعر سبب شده است که وی تمامی واژه‌های قافیه را به گونه‌ای انتخاب کند که پایان هر بیت تداعی‌کننده این واژه و معانی مختلف اخلاقی یا عرفانی آن در ذهن مخاطب باشد. انتخاب واژگان «افسار، هموار، بیدار، خمار، بدکار، دینار، تار، عار، بسیار و هشیار» در جایگاه قافیه، علاوه بر تداعی واژه هشیار، به دلیل وجود مصوت بلند «آ» در پایان تمامی آن‌ها، باعث خیزش موسیقی در پایان هر مصراع می‌شود. مصورت‌های «آ» و «ک» که در زبان فارسی جزء واکه‌های درخشان محسوب می‌شوند، صداها بلند و هیاهو و همهمه را القا می‌کنند. بدین ترتیب، این واکه القاگر گفت‌وگو و مناظره دو فرد با صدای بلندند» (قویمی؛ ۱۳۸۶: ۶۳) تمام واژه‌های قافیه - به دلیل حضور در مصراع‌های زوج - از زبان مست بیان می‌شوند و با توجه به محتوای انتقادی قطعه، القاگر فریاد اعتراض مست نسبت به وضع جامعه و آگاهی او از مشکلات و عوام‌فریبی و تزویر عمال حکومتی‌اند. تأیید این سخن، تغییر رویه کلام مست با محتسب است؛ در بیت اول او را دوست (نشان‌دهنده صلح و آرامش) و در بیت نهم بیهوده‌گو (بیانگر خشم و نفرت) خطاب می‌کند و بدین‌گونه، ماهیت محتسب بی‌خبر از همه‌جا و غافل از همه چیز را برملا می‌سازد.

۲-۴-۲. آرایه‌های ادبی

«یکی از ویژگی‌های سبک شعری پروین این است که در دیوان او آرایه‌های بدیعی به طرز طبیعی و روان در اشعارش راه یافته است» (اکبری؛ ۱۳۸۶: ۴۰۲). توصیف‌های او ساده و روان و در خدمت نمایش واقعیت‌های اجتماعی‌اند. در این قطعه نیز، دغدغه فکری شاعر افزایش تأثیر سخن و بیان عمیق کم‌وکاستی‌هاست. از این‌رو، آرایه‌ها نیز پیش از آنکه در خدمت زیبایی ظاهر اثر باشند، منعکس‌کننده معانی موردنظر شاعرند. مهم‌ترین آرایه‌های ادبی به کار رفته در این قطعه را می‌توان چنین برشمرد:

«محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت
مست گفت ای دوست این پیراهن است افسار نیست»
– «به راه بودن» در مصراع اول مفهومی ایهام‌گونه دارد: در مسیر بودن و به‌گونه‌ای نیز اشاره به راه اهل عرفان دارد/ مصراع دوم مفهومی کنایه‌آمیز دارد و منظور مست این است که من انسانم و حیوان نیستم. این تشخیص خود از حیوان و قوه تمیز در کلام مست در همان بیت نخستین و اولین جمله شخصیت مست این نکته را یادآوری می‌کند که یکی از طرفین این مناظره مستی هشیار است.

«گفت مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی
گفت جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»
– در مصراع اول، محتسب علت کج‌روی مست را مستی وی می‌داند. این استدلال را مست در مصراع دوم با مفهومی کنایه‌آمیز رد می‌کند: علت کج‌روی می‌تواند ناهمواری راه - اشاره‌ای ایهام‌گونه

به وضع موجود جامعه - باشد.

«گفت می‌باید تو را تا خانه قاضی برم

گفت رو صبح آی قاضی نیم شب بیدار نیست»

- تضاد نیم شب و صبح / تکرار واژه قاضی / واج آرایبی مصوت بلند «آ»:

«گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم

گفت والی از کجا در خانه خمار نیست»

- تکرار واژه والی / واج آرایبی مصوت بلند «آ»:

«گفت تا داروغه را گوئیم در مسجد بخواب

گفت مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست

- تکرار واژه مسجد / اشتقاق بین واژگان خواب و خوابگاه / تلمیح به آیات تحریم شراب و منع از ورود به مسجد هنگام مستی، که نشان از آگاهی نسبی مستی

از مسائل اعتقادی و شرعی دارد.

«گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان

گفت کار شرع کارِ درهم و دینار نیست»

- در مصراع اول، دیناری پنهان دادن کنایه از پرداخت رشوه / درهم و دینار تناسب دارد / تکرار واژه دینار / واج آرایبی مصوت بلند «آ»:

«گفت از بهر غرامت جامهات بیرون کنم

گفت پوشیده است جز نقشی ز پود و تار نیست»

- تناسب بین جامه، پود و تار / نقشی ز پود و تار داشتن کنایه از نهایت پوشیدگی و اشاره به وضع نابسامان معیشتی مردم؛ هماهنگی بین واژگان غرامت و جامهات پوشیده است که نوعی موسیقی

درونی را پدید آورده است.

«گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه

گفت در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست»

- تناسب بین سر و کلاه در مصراع اول و سر و عقل در مصراع دوم / کلاه نماد بزرگی است اما در مصراع دوم با رد این نظر، مست، داشتن عقل را نشانه بزرگی

می‌داند نه کلاه را / مصراع دوم به صورت مثل درآمده است. / واج آرایبی مصوت بلند «آ»:

«گفت می بسیار خوردی زان چنین بیخود شدی

گفت ای بیهوده‌گو، حرف کم و بسیار نیست»

- تکرار واژه بسیار / تضاد بین کم و بسیار / مصراع دوم مفهوم کنایی دارد: گناه گناه است کم و زیاد ندارد؛

در این بیت نیز همانند بیت دوم، استدلال ضعیف و غیرمنطقی محتسب با هشیاری مست رد می‌شود.

«گفت باید حد زند هشیار مردم مست را

گفت هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست»

- تکرار واژه هشیار / تضاد بین هشیار و مست / در مصراع دوم مست با تعریض به محتسب گوشزد

می‌کند که تو نیز مستی اما به گونه‌ای دیگر؛ من مست هشیارم و تو مست باده. این بیت یادآور غزل

معروف مولانا و به‌ویژه این بیت آن است:

«در شهر یکی کس را هشیار نمی‌بینم

هر یک بتر از دیگر، شوریده و دیوانه»

(شمیسا، گزیده غزلیات مولانا؛ ۱۳۷۸: ۲۷۲)

با توجه به آنچه گفته شد و از مجموع آرایه‌های ابیات می‌توان نتیجه گرفت:

۱. بیشترین آرایه‌ها در مصراع دوم هر بیت و در کلام مست قرار گرفته‌اند.

۲. از بین تمامی آرایه‌های ذکر شده، دو آرایه تکرار و واج آرایبی مصوت «آ» بیشترین سهم را در

آرایه‌پردازی‌های این شعر دارند. همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، کاربرد واژگانی که دارای مصوت بلند «آ» و «ت» هستند، فریاد بلند و اعتراض آمیز را

تداعی می‌کنند اما استفاده مکرر از آرایه تکرار، نشانه هشیاری مست و دقت او به سخنان محتسب است.

مست در جواب‌های خود عیناً از واژگان سؤالات محتسب استفاده می‌کند. بدین‌گونه، پروین نشانه‌ای

دیگر از هشیاری مست را به خواننده گوشزد می‌کند تا بیراهه نرود و طنز رندانه کلام او را دریابد.

۵. نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که پروین شخصیت مست را با صبغه‌های عرفانی خلق کرده

و به تصویر کشیده و بنابراین، مستی وی مستی عارفانه و از سر هشیاری است. نظم و ترتیب اجزاء

جملات گفت‌وگوی مست، آرایه‌پردازی‌های نهفته در کلام وی، بیان کنایه‌آمیز و پاسخ‌های رندانه او و

مهم‌تر از همه، مشخص بودن هویت دو طرف مناظره (محتسب و مست) و اشارات گاه و بی‌گاه پروین به

مستی و بی‌خبری محتسب (گفت هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست) نشان می‌دهد که در این

مناظره، محتسب با مستی هشیار روبه‌روست و در حقیقت، آن که مست و ناآگاه است، خود وی است.

بنابراین، عنوان «محتسب و مست» و یا «مست هشیار» برای این مناظره مناسب‌تر و با محتوای آن

سازگارتر است.

منابع

۱. اکبری، منوچهر. (۱۳۸۶). مجموعه مقالات نکوداشت پروین اعتصامی. تهران: خانه کتاب.
۲. _____ (۱۳۹۲).
- پروین پژوهی (مجموعه مقالات یکصدمین سال تولد پروین) چاپ دوم. تهران: خانه کتاب. صفحات ۴۲۵-۴۴۶. مقاله «طنز و اعتراض در شعر پروین» (عبدالله واثق عباسی) به نقل از سلیمانی، فرامرز.
- پارووتر از بهار: بی‌تا. تهران: دنیای مادر.
۳. اعتصامی، پروین. (۱۳۸۴). دیوان اشعار، با مقدمه ملک‌الشعرا بهار. تهران: چاپ سوم.
۴. چاووش اکبری، رحیم. (۱۳۸۶). زندگی و شعر پروین اعتصامی، حکیم بانوی شعر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. حبیبی، لعبت. (۱۳۹۱). پروین بانوی حکیم ادب فارسی. مجله رشد ادب فارسی. شماره ۲ زمستان. صفحه ۳۷.
۶. خالقی‌راد، حسین. (۱۳۷۵). قطعه و قطعه‌سرایي در شعر فارسی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. دانشگر، احمد. (۱۳۷۷). پروین اعتصامی، شاعره‌ای از تبار روشنی‌ها. چاپ دوم. تهران: انتشارات حافظ نوین.
۸. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). با کاروان حله. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات علمی.
۹. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). انواع ادبی. چاپ هفتم. تهران: انتشارات فردوس.
۱۰. _____ (۱۳۷۸). گزیده غزلیات مولوی. تهران: نشر و پژوهش دادر.
۱۱. شریفی، محمد. (۱۳۸۸). فرهنگ ادبیات فارسی. چاپ سوم. تهران: فرهنگ نشر نو انتشارات معین.
۱۲. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۶). موسیقی شعر. چاپ پنجم. تهران: نشر آگاه.
۱۳. شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۸۲). شرح مثنوی شریف، دفتر دوم. چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. عطار. (۱۳۷۴). منطق‌الطیر. به اهتمام و تصحیح سیدصادق گوهرین. چاپ دهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. قویبی، مهوش و دیگران. (۱۳۸۶). بررسی یکی از اشعار پروین اعتصامی بر اساس نظریه‌های ساختاری. پژوهش‌های زبان‌های خارجی. شماره ۳۸. تابستان. صفحات ۵۷ تا ۶۸.
۱۶. گروه مؤلفان. (۱۳۷۹). فارسی ۳ (کد ۱۱۲۲۰۱). چاپ اول. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۱۷. میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۶). واژه‌نامه هنر شاعری. چاپ دوم. تهران: کتاب مهنار.
۱۸. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۰). جویبار لحظه‌ها. چاپ سوم. تهران: جامی.
۱۹. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۹). چشمه روشن. چاپ نهم. تهران: انتشارات علمی.